

مقاله‌ی پژوهشی

رابطه‌ی بین تجربه‌ی آزاردیدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

خلاصه

مقدمه: کودک‌آزاری علاوه بر پیامدهای کوتاه‌مدت مخربی که بر کودک به جای می‌گذارد پیامدهای بلندمدتی هم به دنبال خواهد داشت. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی تجربه آزاردیدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بود.

روش کار: در این پژوهش مقطعی-تحلیلی، جهت انتخاب نمونه‌ها، از بین مراکز مشاوره‌ی غرب تهران به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای ۶ مرکز مشاوره انتخاب و سپس از مراکز مشاوره به صورت در دسترس نمونه‌ای به حجم ۳۱۸ نفر (۱۹۲ نفر زن و ۱۲۶ نفر مرد) انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل مقیاس‌های خودگزارشی کودک‌آزاری (CASRS)، طرح‌واره‌ی یانگ (YSQ) و شیوه‌های مقابله‌ی بلینگر و موس بوده و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۹ و آزمون تی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

یافته‌ها: شیوه‌های حل مسئله و جلب حمایت اجتماعی با هر چهار خرده‌مقیاس آزاردیدگی، رابطه‌ی منفی ($P=0/01$) و با شیوه‌های ارزیابی شناختی و مهار هیجانی، رابطه‌ی مثبت معنی‌داری دارند ($P=0/01$). نمره‌ی کل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیز با هر چهار خرده‌مقیاس آزاردیدگی، رابطه‌ی مثبت معنی‌داری دارد ($P=0/01$). خرده‌مقیاس آزار جسمی و آزار عاطفی و خرده‌مقیاس شیوه‌های حل مسئله و مهار هیجانی و طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان و مردان تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. هم‌چنین خرده‌مقیاس‌های آزار عاطفی و غفلت، توانستند طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های مقابله با تنش را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: تجربه‌ی آزاردیدگی در کودکی می‌تواند در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و پاسخ‌های هیجان‌مدارانه نقش اساسی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آزاردیدگی، طرح‌واره، کودک

*مهدی رستمی

دانشجوی دکترای مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

نادره سعادت‌تی

کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خمین، خمین، ایران

مهدی قزلسفلو

دانشجوی دکترای مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه
اصفهان، اصفهان، ایران

*مؤلف مسئول:

گروه مشاوره، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه
آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،
تهران، ایران

mehdi.rostami25@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۳/۰۸/۲۱

تاریخ تایید: ۹۴/۰۲/۲۲

پی‌نوشت:

این مطالعه بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده و با منافع نویسندگان ارتباطی نداشته است. از تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش و هم‌چنین از مراکز مشاوره‌ی غرب تهران تقدیر و تشکر می‌گردد.

مقدمه

کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه‌اند و خطر تعرض افراد گوناگون در خانواده یا اجتماع همواره آن‌ها را تهدید می‌کند (۱). آزار کودکان به شکل‌های مختلفی نمود یافته و متأسفانه گاهی کانون خانواده عرصه‌ای برای بروز خشونت و رنج برای کودکان بوده است (۲). کودک‌آزاری، رفتاری است که کودک مورد انواع آزارهای جسمی، جنسی، بی‌توجهی و سوءرفتارهای عاطفی قرار می‌گیرد (۳). هر نوع کوتاهی و غفلت یا ارتکاب به عملی که بهداشت و سلامت جسمانی و روانی کودک را به مخاطره اندازد، کودک‌آزاری قلمداد می‌شود (۴). امروزه کودک‌آزاری به عنوان یکی از اولویت‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی در کشورهای مختلف مطرح بوده، کودک‌آزاری از هر نوع آن (جسمی، جنسی، عاطفی، بی‌توجهی و غفلت) در جوامع مختلف مذموم و در بسیاری از کشورها جرم تلقی شده و برای مرتکب آن عواقب قانونی در نظر گرفته شده است (۱). مطالعات بسیاری نشان داده‌اند کودک‌آزاری، تاثیرات سوء عاطفی، رفتاری و شناختی بر کودک دارد. از آثار روان‌شناختی طولانی‌مدت آزار جسمی، بروز مشکلات رفتاری و روان‌شناختی عمده در نوجوانی و بزرگسالی است (۵). قزلسفلو و رستمی نشان دادند بین دختران و پسران از نظر تجربه‌ی آزار دیدگی و خطرپذیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین نتایج آن‌ها حاکی از وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین کودک‌آزاری با ویژگی‌های شخصیتی، رفتار پرخطر و تمام خرده‌مقیاس‌های آن است. نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه نشان داد تجربه‌ی آزار دیدگی قادر به تبیین ۱۴ درصد خطرپذیری کل، ۲۵ درصد ویژگی شخصیتی روان‌نژندی، ۱۴ درصد برون‌گرایی، ۱۰ درصد گشودگی، ۱۰ درصد انعطاف‌پذیری و ۱۳ درصد وظیفه‌شناسی است (۶). سوءرفتار و یا آزار جسمی عبارت است از ایجاد جراحت جسمانی در کودک زیر ۱۸ سال توسط فردی که مسئول نگهداری از کودک می‌باشد و تحت شرایطی که نشان می‌دهد بهداشت و بهزیستی کودک در معرض خطر است (۷). آزار عاطفی زمانی رخ می‌دهد که والدین آگاهانه و از روی قصد، اقدام به اعمال تنبیه مکرر برای خطاهای کوچک، طرد نمودن، دل‌سرد کردن، بیرون راندن وی از خانه و ممانعت از برقراری ارتباط وی با همسالان نمایند (۸). هم‌چنین، رفتارهایی حاکی از دوست نداشتن کودک، سرزنش و تهدید نمودن وی، فریاد زدن بر سر کودک و مسخره نمودن او را به عنوان آزار عاطفی تعریف می‌کنند. به عبارتی دیگر، این رفتارها تمامیت شخصیت کودک را زیر سؤال می‌برند. آزار جنسی به هر گونه ارتباط جنسی با کودک توسط یک بزرگسال و رفتارهایی مثل نوازش کودک به قصد لذت تا عورت‌نمایی و

در نهایت تجاوز جنسی اطلاق می‌شود (۷). آزار جنسی و عاطفی موارد شایعی هستند که کودکان و نوجوانان را تهدید نموده و پیامدهای منفی زیادی دارند (۹). در واقع به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر زندگی بزرگسالی تحت تاثیر شرایط ناگوار دوران کودکی قرار می‌گیرد که برای غالب افراد، زیان‌بخش می‌باشد. این وقایع باعث شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگاری^۱ می‌شود که فرد به طور دایم با آن‌ها در بزرگسالی درگیر می‌باشد. هر چند تمام طرح‌واره‌ها بر پایه‌ی وقایع آسیب‌رسان یا بدر رفتاری دوران کودکی شکل نگرفته‌اند ولی تمام آن‌ها محل زندگی سالم هستند. افراد به طرح‌واره‌های خود به عنوان حقایقی می‌نگرند که نیاز به آزمایش در صحت و سقم آن‌ها ندارند. در نتیجه طرح‌واره‌ها تجارب بعدی ما را پردازش نموده و نقش عمده‌ای در تفکر، احساس، رفتار و نحوه‌ی برقراری ارتباطمان با دیگران بازی می‌کنند. طرح‌واره‌ها بازنمایی‌های دقیقی از محیط دوران کودکی و نوجوانی را نشان می‌دهند. حس عاطفی فرد از توصیف دوران کودکی و نوجوانی از طریق طرح‌واره‌ها تقریباً همیشه درست است حتی اگر دلیل آن مشخص نباشد (۱۰).

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، اغلب زیربنای نشانه‌های اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی، سوءمصرف مواد، اختلالات روان‌تنی و غیره می‌باشند. ابعاد طرح‌واره‌ها از نظر شدت و گستره‌ی فعالیت فرق دارند (۱۱). هر چه قدر طرح‌واره‌ای شدیدتر باشد، شمار بیشتری از موقعیت‌ها آن را فعال می‌سازد. مثلاً اگر فردی در کودکی به شدت و دایم از جانب پدر و مادر خود تنبیه شده و یا مورد انتقاد قرار گرفته باشد، طرح‌واره‌ی نقص او تقریباً در مورد هر کسی برانگیخته می‌شود اما اگر فردی تنها از جانب یکی از والدین، تنبیه شده یا مورد انتقاد قرار گرفته باشد، تنها از جانب افراد هم‌جنس همان والد، طرح‌واره‌اش برانگیخته می‌شود. به طور کلی هر چه طرح‌واره‌ای شدیدتر باشد فرد به هنگام برانگیخته شدن طرح‌واره، عواطف منفی بیشتری را تجربه کرده و زمان بیشتری در ذهن او فعال می‌ماند (۱۰). مارگارت^۲ و همکاران در پژوهش خود بر روی ۷۶ نوجوان افسرده بر اساس مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته‌ی خودگزارشی در مورد آزار جسمی، آزار جنسی و آزار عاطفی از سوی والدین گزارش کردند. نتایج نشان داد که تجربه‌ی آزار در کودکی با ویژگی‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه‌ی معنی‌داری دارد (۱۲). رفتار فرد، قسمتی از طرح‌واره‌ی او نیست بلکه رفتارهای ناسازگار به عنوان پاسخی در برابر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه شکل می‌گیرند به این رفتارها که توسط طرح‌واره‌ها برانگیخته شده ولی جزئی از طرح‌واره‌ها نیستند در اصطلاح، شیوه‌های مقابله‌ای^۳ می‌گویند. اگر چه بخش عمده‌ای از شیوه‌های مقابله-

¹Maladaptive Schemas

²Margaret

³Coping strategies

انتخاب شدند. در ابتدا از بین مراکز مشاوره‌ی غرب تهران به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای ۶ مرکز انتخاب و سپس به صورت دسترس نمونه‌ای به حجم ۳۱۸ نفر (۱۹۲ نفر زن و ۱۲۶ نفر مرد) انتخاب گردیدند. در ابتدا به دلیل حساسیت موضوع با مسئول مرکز مشاوره در میان گذاشته و پس از آشنایی آن‌ها با اهداف پژوهش و اهمیت آن، موافقت‌شان برای انجام پژوهش گرفته شد. نمونه‌ها پس از آشنایی با اهداف پژوهش، فرم رضایت‌نامه را تکمیل کردند. سپس توضیحات لازم در مورد چگونگی تکمیل پرسش‌نامه ارایه شد و در نهایت پرسش‌نامه‌ها در اختیار مراجعین قرار گرفت. برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها، محدودیت زمانی اعمال نشد.

ابزار پژوهش

الف- مقیاس خودگزارشی کودک آزاری^۳ (CASRS): این پرسش‌نامه توسط محمدخانی و همکاران، تهیه و دارای ۳۸ گویه می‌باشد که دامنه‌ای از رفتار کودک آزاری از آزار جنسی تا عاطفی، جسمی و بی‌توجهی و غفلت نسبت به کودک را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. ۸ سؤال این مقیاس برای آزار جسمی، ۵ سؤال برای آزار جنسی، ۱۴ سؤال برای آزار عاطفی و ۱۱ سؤال برای بی‌توجهی و غفلت در نظر گرفته شده است. هر یک از سئوالات مقیاس فوق بر اساس مقیاس لیکرت در ۴ گزینه با واژه‌ی هرگز که بیانگر نبود آزار، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه که بیانگر وجود مداوم آزار است، درجه‌بندی شده است. محمدخانی ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس خودگزارشی کودک آزاری ۰/۹۲ به دست آورد (۱۸). این ضریب نشان می‌دهد که مقیاس ضریب همسانی درونی بالایی دارد. این ضریب برای خرده-مقیاس‌های آزار روانی، غفلت، آزار جسمی و آزار جنسی از ۰/۸۹ تا ۰/۷۹ بوده و هم‌چنین تمامی ضرایب محاسبه شده در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار بود. هم‌چنین گویه‌های ۱۵ تا ۲۵ که مربوط به زیرمقیاس غفلت و بی‌توجهی نسبت به کودک هستند به صورت وارونه نمره‌گذاری می‌شوند (۱۹). رستمی و همکاران نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره‌ی کل را ۰/۸۰ و برای خرده‌مقیاس‌های آزار جنسی، جسمی، عاطفی و غفلت به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۱، ۰/۷۲ و ۰/۷۴ به دست آوردند (۴).

ب- پرسش‌نامه‌ی طرح‌واره‌ی یانگ^۴ (YSQ): در پژوهش حاضر به منظور سنجش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از فرم کوتاه (۷۵ سئوالی) پرسش‌نامه‌ی طرح‌واره‌ی یانگ (۱۹۹۸) استفاده شده است که ۱۵ طرح-واره‌ی ناسازگار اولیه را در قالب ۵ حوزه می‌سنجد (۲۰). این طرح‌واره‌ها عبارتند از: بریدگی و طرد (۱- رهاشدگی/بی‌ثباتی، ۲- بی-اعتمادی/بدرفتاری، ۳- محرومیت هیجانی، ۴- نقص/شرم، ۵- انزوای

ای، رفتاری هستند اما بیمار از شیوه‌های شناختی و هیجانی نیز برای مقابله با طرح‌واره‌ها استفاده می‌کند. سه شیوه‌ی مقابله‌ای طرح‌واره عبارتند از: جبران افراطی طرح‌واره، اجتناب از طرح‌واره، تسلیم شدن در برابر طرح-واره. پاسخ‌های مقابله‌ای عبارتند از تمام پاسخ‌هایی که در خزانه‌ی رفتاری فرد در مقابل تهدید وجود دارند، به عبارتی تمام راه‌های بی‌همتا و فرد-ویژه‌ای که بیماران از طریق آن‌ها، جبران افراطی، تسلیم و اجتناب را آشکار می‌سازند (۱۳). شیوه‌های مقابله‌ای در موقعیت‌هایی به کار می‌روند که در آن بین خواسته‌های تنش‌زای زندگی و منابع موجود برای پاسخ به این مطالبات، اختلاف قابل تصور وجود دارد. محققین ارزیابی شناختی بر این باورند که الگوی ارزیابی شناختی افراد نسبت به موقعیت‌های تنش‌زای زندگی بر اساس ایجاد ویژگی‌های مختلف شخصیت، پاسخ‌های هیجانی و منطقی متفاوتی از قبیل خشم، احساس گناه، غرور، طراخی یک نقشه، انجام عمل خاص یا تلاش برای کاهش احساسات ناخوشایند از خود نشان می‌دهند (۱۴). رستمی و همکاران نشان دادند که بین هر ۴ مولفه‌ی آزار جنسی، آزار جسمی، آزار عاطفی و غفلت با جلب حمایت اجتماعی، رابطه‌ی منفی و با مهار هیجانی، رابطه‌ی مثبت معنی‌داری به دست آمد. هم‌چنین نتایج آن‌ها نشان داد که بین آزار عاطفی و غفلت با حل مسئله، رابطه‌ی منفی و آزار جنسی و جسمی با ارزیابی شناختی و مهار جسمانی، رابطه‌ی مثبت معنی‌داری دارد (۱۵). دونوان^۱ نشان داد که افراد با سابقه‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی در دوران کودکی با احتمال بیشتری به استفاده از شیوه‌ی اجتناب از مشکل و هیجان‌مدارانه پاسخ گفتن در هنگام مواجهه با بحران و فشارهای روزمره‌ی زندگی رومی‌آوردند. وی دریافت که بین سابقه‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی و ارزیابی منفی از خود و دیگران، رابطه وجود دارد (۱۶). رستمی و همکاران نشان دادند که بیشترین و کمترین آزار گزارش شده، آزار عاطفی و جنسی بود. هم‌چنین آن‌ها دریافتند که بین بدرفتاری و سلامت روان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (۴). والش^۲ و همکاران دریافتند که بین سابقه‌ی سوءاستفاده در کودکی و استفاده از شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (۱۷). با توجه به بحث مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی تجربه‌ی آزاردیدگی در دوران کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در افراد متاهل ساکن شهر تهران بود.

روش کار

حجم نمونه‌ی این پژوهش مقطعی-تحلیلی با استفاده از فرمول کوکران، ۳۱۸ نفر محاسبه و این افراد با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای

³Child Abuse of Self Report Scale

⁴Young Schema Questionnaire

¹Donovan

²Walsha

مشکلات و مقابله‌ی مبتنی بر جلب حمایت اجتماعی. ضریب پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه ۰/۷۹ به دست آمد. هم‌چنین مقدار پایایی برای خرده‌مقیاس‌های آن عبارت بود از: $I=0/90$ برای مقابله‌ی مبتنی بر حل مسئله، $I=0/65$ برای مقابله‌ی مبتنی بر مهار هیجانی، $I=0/68$ برای مقابله‌ی مبتنی بر ارزیابی شناختی، $I=0/90$ برای مقابله‌ی مبتنی بر مهار جسمانی و $I=0/90$ برای مقابله‌ی مبتنی بر جلب حمایت اجتماعی (۲۴).

تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۹ انجام و به منظور تعیین رابطه‌ی بین تجربه‌ی آزار دیدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از ضرایب همبستگی و آزمون‌های معنی‌داری آن جهت تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش‌بین (آزار جنسی، جسمی، عاطفی و غفلت) در تبیین متغیرهای ملاک (طرح‌واره‌های ناسازگار و شیوه‌های مقابله) از رگرسیون چندگانه و جهت بررسی تفاوت متغیرهای مورد مطالعه در بین دو جنس، از آزمون تی مستقل استفاده شد.

نتایج

تعداد آزمودنی‌ها ۳۱۸ نفر با میانگین و انحراف استاندارد $32/93 \pm 4/44$ سال بود. از ۳۱۸ نفر ۱۹۲ نفر (۶۰/۴٪) آن‌ها زن با میانگین و انحراف معیار سنی $32/84 \pm 4/51$ سال و ۱۲۶ نفر (۳۹/۶٪) مرد با میانگین و انحراف معیار سنی $32/07 \pm 4/33$ سال بودند. حداقل سن نمونه‌ها ۲۳ و حداکثر ۴۷ سال بود. شاخص‌های توصیفی نمرات خرده‌مقیاس‌های آزاردیدگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های مقابله با تنش در زنان و مردان، هم‌چنین مقایسه‌ی نمرات (تی مستقل) آزاردیدگی با طرح‌واره‌های ناسازگار و راهبردهای مقابله با تنش در دو گروه زنان و مردان گزارش شده است (جدول ۱). برای پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار و راهبردهای مقابله با تنش بر مبنای متغیر پیش‌بین (تجربه‌ی آزاردیدگی) از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده گردید (جدول ۲). برای بررسی همبستگی بین آزاردیدگی با طرح‌واره‌های ناسازگار و شیوه‌های مقابله با تنش از ضریب ماتریس همبستگی استفاده شد (جدول ۳).

اجتماعی/بیگانگی)، خودمختاری و عملکرد مختل (۶-وابستگی/بی-کفایتی، ۷-آسب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، ۸-گرفتار/خود تحول نیافته، ۹-شکست)، محدودیت‌های مختل (۱۰-استحقاق/بزرگ‌منشی، ۱۱-خویش‌داری/ خود-انضباطی ناکافی)، دیگرجهت‌مندی (۱۲-اطاعت، ۱۳-ایثار، ۱۴-پذیرش‌جویی/جلب توجه) و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۱۵-منفی‌گرایی/بدبینی، ۱۶-بازداری هیجانی، ۱۷-معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی، ۱۸-تنبیه). هر سؤال روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط = ۱، تقریباً غلط = ۲، بیشتر درست تا غلط = ۳، اندکی درست = ۴، تقریباً درست = ۵، کاملاً درست = ۶) نمره‌گذاری می‌شود. در فرم کوتاه، هر طرح‌واره توسط پنج سؤال سنجیده می‌شود. چنان‌چه میانگین هر خرده‌مقیاس بالاتر از ۲۵ باشد، آن طرح‌واره ناکارآمد است. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش بارانف و تیان^۱ اثبات شده است (۲۱). هنجاریابی این پرسش‌نامه در ایران توسط آهی در دانشگاه تهران انجام گرفته و همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت زن ۰/۹۷ و در جمعیت مرد ۰/۹۸ به دست آمده است (۲۲).

ج- پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های مقابله با تنش بلینگر و موس^۲ (CSQ): این پرسش‌نامه توسط موس^۳ و بیلنگر^۴ در سال ۱۹۸۱ برای بررسی نحوه‌ی پاسخگویی افراد به حوادث تنش‌زا ساخته شد که در ابتدا ۱۹ سؤال داشت و در تجدیدنظر بعدی به ۳۲ سؤال افزایش یافت. ضریب پایایی پرسش‌نامه به روش دونیمه‌سازی ۰/۷۸ گزارش شده است (۲۳). در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه‌ی ۳۲ ماده‌ای که حسینی قدمگاهی با اندکی دخل و تصرف مجدداً آن را تنظیم نموده است استفاده شد. این پرسش‌نامه ۵ نوع شیوه‌ی مقابله‌ای را با مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای می‌سنجد: مقابله‌ی مبتنی بر حل مسئله، مقابله‌ی مبتنی بر مهار هیجانی، مقابله‌ی مبتنی بر ارزیابی شناختی، مقابله‌ی مبتنی بر مهار جسمانی یا جسمانی کردن

¹Baranoff and Tian

²Coping Strategies Questionnaire

³Moos

⁴Blings

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی و آزمون تی مستقل در بررسی آزاردیدگی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان و مردان متأهل

شاخص متغیرها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه‌ی آزادی	شاخص تی	سطح معنی‌داری
نمره‌ی کل آزاردیدگی	مرد	۱۲۶	۶۲/۲۴	۱۶/۶۸	۳۱۶	-۲/۱۱	۰/۰۳
	زن	۱۹۲	۶۶/۶۲	۱۸/۸۹			
آزار جسمی	مرد	۱۲۶	۶/۷۹	۲/۷۳	۳۱۶	-۲/۱۳	۰/۰۳
	زن	۱۹۲	۷/۵۱	۳/۰۴			
آزار عاطفی	مرد	۱۲۶	۲۱/۷۵	۶/۰۱	۳۱۶	-۲/۰۹	۰/۰۳
	زن	۱۹۲	۲۳/۵۲	۸/۱۱			
نمره‌ی کل شیوه‌های مقابله با تنش	مرد	۱۲۶	۳۸/۷۱	۱۰/۶۰	۳۱۶	-۲/۴۱	۰/۰۱

پژوهش همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین در خرده-مقیاس‌های آزار جنسی، آزار عاطفی و غفلت با طرح‌واره‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، گرفتار/خود تحول نیافته و طرح‌واره‌ی اطاعت، رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده شد. بین آزار جسمی با طرح‌واره‌های نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، گرفتار/خود تحول نیافته و اطاعت، رابطه مثبت بدست آمد. در پژوهشی که توسط موریس^۱ انجام شد، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، در نمونه ۱۷۳ نفری مورد سنجش قرار گرفتند که نتایج نشان داد رفتارهای پرورشی زیانبخش با حضور طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ارتباط دارد که با نتایج پژوهش حاضر همخوان است (۲۸). سسرو، نلسون و جیلی^۲ نشان دادند سوءاستفاده‌ی دوران کودکی با شیوه‌های مهار هیجانی و طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی، رهاشدگی، محرومیت عاطفی، انزوای اجتماعی و اطاعت در بزرگسالی رابطه‌ی معنی‌داری دارد که با یافته‌های این پژوهش همخوان است (۱۱). در پژوهش فولینگستاد^۳ و همکاران بین آزار دیدگی زنان در گذشته با طرح‌واره‌های ناسازگار، رابطه‌ی معنی‌داری است که با این پژوهش همسو می‌باشد (۲۹).

بنا بر نتایج، نمره‌ی کل آزار دیدگی قادر به پیش‌بینی شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بوده و همچنین خرده‌مقیاس‌های آزار عاطفی و غفلت توانستند شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه پیش‌بینی نمایند. در پژوهش گای^۴ و همکاران بر گروهی از افراد مورد آزار و سوءاستفاده در دوران کودکی، نتایج نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار به عنوان واسطه و پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان آزار در بزرگسالی هستند که با نتایج این پژوهش هم‌سو می‌باشد (۳۰). همچنین نتایج تفت^۵ و همکاران نشان داد که آزار دیدگی می‌تواند شیوه‌های مقابله با تنش را در زنان پیش‌بینی کند که با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوان می‌باشد (۳۱). افرادی که در دوران کودکی رها شده، مورد سوءاستفاده قرار گرفته، از ایشان غفلت شده و یا طرد شده‌اند در سنین بزرگسالی، اگر (به صورت ناخودآگاه) وقایع زندگی فعلی خود را مشابه تجارب آسیب-

رسان دوران کودکی‌شان درک کنند، طرح‌واره‌های‌شان برانگیخته می‌شود. وقتی که طرح‌واره‌ها برانگیخته شوند، هیجان‌های منفی شدید مثل سوگ، شرم، ترس یا خشم را تجربه می‌کنند (۱۳). تجربه‌ی دردناک دوران کودکی در افراد به منظور انطباق با طرح‌واره‌ها، شیوه‌های مقابله‌ای ناسازگار را به وجود می‌آورند تا مجبور نشوند هیجان‌های شدید و مستاصل‌کننده را تجربه کنند. در دوران کودکی، وجود یک طرح‌واره‌ی ناسازگار اولیه، مصداق یک تهدید است و تهدید نوعی ناکامی در ارضای یکی از نیازهای هیجانی اساسی کودک محسوب می‌شود. کودک در روبه‌رویی با تهدید، می‌تواند به کمک ترکیبی از سه پاسخ جنگ، گریز و میخ‌کوب شدن به عنوان پاسخ مقابله‌ای با موقعیت کنار بیاید یعنی می‌تواند تسلیم شده، اجتناب کند یا به صورت افراطی جبران نماید (۱۰). وقتی فرد پا به دوران بزرگسالی می‌گذارد، شیوه‌های مقابله‌ای حالت ناسازگارانه می‌یابند زیرا به کارگیری آن‌ها منجر به تداوم طرح-واره‌ها شده حتی با تغییر شرایط زندگی و ایجاد فرصت‌های بهتر، فرد سبک‌های قبلی را به کار می‌گیرد. سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار، باعث زندانی شدن فرد در پشت دیوارهای طرح‌واره‌های‌شان می‌شوند (۲۰).

یافته‌ها و مطالعات مشابه نشان داد که وقتی این افراد تسلیم طرح‌واره می‌شوند، به درست بودن آن گردن نهاده و هیچ وقت سعی نمی‌کنند با آن بجنگند یا اجتناب کنند، بلکه می‌پذیرند که طرح‌واره درست است. آن‌ها درد هیجانی طرح‌واره را مستقیم حس کرده ولی به گونه‌ای عمل می‌کنند که صحت طرح‌واره را تایید نمایند. آن‌ها بدون آگاهی از رفتار خود، الگوهای طرح‌واره-خاست^۶ را تکرار و در بزرگسالی، تجارب دوران کودکی را زنده می‌کنند و در روبه‌رویی با برانگیزاننده‌های طرح-واره، پاسخ‌های هیجانی نامناسب نشان داده و هیجان‌های خود را به طور کامل و آگاهانه تجربه می‌کنند (۱۰). این مطالعه با محدودیت‌هایی از جمله عدم همکاری برخی از افراد در تکمیل پرسش‌نامه‌ها همراه بود.

نتیجه‌گیری

خانواده‌ها بیشتر از اهرم آزار عاطفی و غفلت در مورد کودکان استفاده می‌کنند و این رفتارها منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار و ناکارآمد و شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار در فرد گردیده و در سرنوشت آتی او در بزرگسالی تاثیر به‌سزایی دارد.

رابطه‌ی معنی‌داری است که با این پژوهش همسو می‌باشد (۲۹). بنا بر نتایج، نمره‌ی کل آزار دیدگی قادر به پیش‌بینی شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بوده و همچنین خرده‌مقیاس‌های آزار عاطفی و غفلت توانستند شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه پیش‌بینی نمایند. در پژوهش گای^۴ و همکاران بر گروهی از افراد مورد آزار و سوءاستفاده در دوران کودکی، نتایج نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار به عنوان واسطه و پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان آزار در بزرگسالی هستند که با نتایج این پژوهش هم‌سو می‌باشد (۳۰). همچنین نتایج تفت^۵ و همکاران نشان داد که آزار دیدگی می‌تواند شیوه‌های مقابله با تنش را در زنان پیش‌بینی کند که با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوان می‌باشد (۳۱). افرادی که در دوران کودکی رها شده، مورد سوءاستفاده قرار گرفته، از ایشان غفلت شده و یا طرد شده‌اند در سنین بزرگسالی، اگر (به صورت ناخودآگاه) وقایع زندگی فعلی خود را مشابه تجارب آسیب-

¹Muris

²Cecero, Nelson and Gillie

³Follingstad

⁴Gay

⁵Taft

⁶Schema-Driven

References

1. Raheb Gh, Eghlima M, Kamruday AS, Kafshgar M. [Psychological impact-social, child abuse and the role of police in preventing it]. Journal of research social order 2009; 1: 81-106. (Persian)
2. Aghabeigloo A, Tabatabai SK, Mousavi SH. [Child abuse]. Tehran: Avand danesh; 2001: 8-9. (Persian)
3. Khoshabi K. [Reported a case of sexual abuse]. Journal of social welfare 2003; 7: 130-1. (Persian)
4. Rostami M, Abdi M, Heidari H. [Correlation of childhood maltreatment, self-compassion and mental health in married people]. Journal of fundamentals of mental health 2014; 16(1): 61-73. (Persian)

5. Christoffersen MN, Poulsen HD, Nielsen A. Attempted suicide among young people: Risk factors in a prospective register based study of Danish children born in 1966. *Acta Psychiatr Scand* 2003; 108: 350-8.
6. Ghezselflo M, Rostami M. [Child abuse relationship with personality features and high risk behaviors in adolescents]. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences* 2015; 19(2): 1-10. (Persian)
7. Rostami R, Zarei J, Zamirinezhad M. [History of sexual abuse, physical, emotional and verbal childhood male drug users compared with non-addicted population]. *Proceeding of the 4th Congress of the Family and Sexual Health*. Tehran, 2009: 37-46. (Persian)
8. Erickson MF, Egeland B. *The APSAC handbook on child maltreatment*. Thousands Oaks: Sage; 2002: 31-9.
9. Law F, Coll X, Tobais A, Hawton K. Child sexual abuse in women who take overdoses: II. Risk factors and associations. *Arch Suicide Res* 2004; 4: 307-27.
10. Yang J, Kolosku Zh, Vishar M. [Schema therapy, a practical guide for clinicians]. Hamidpour H, Andouz Z. (translators). Tehran: Arjmand; 2011: 21-3. (Persian)
11. Cecero JJ, Nelson JD, Gillie JM. Tools and tenets of schema therapy : Toward the construct validity o f the early maladaptive schema questionnaire research version (EMSQ- R). *Clin Psychol Psychother* 2004; 11: 344-57.
12. Margaret N, Lumley KL. Hardness specificity in the relations among childhood adversity, early maladaptive schemas, and symptom profiles in adolescent depression. *Cogn Ther Res* 2007; 31: 639-57.
13. Shahamat F. [Predict health symptoms (somatization, depression and anxiety) based on early maladaptive schemas]. *Journal of psychology of Tabriz University* 2010; 5: 22-44. (Persian)
14. Penley JA, Tomaka J. Associations among the big five, emotional responses, and coping with acute stress. *Pers Individ Dif* 2002; 32: 1215-28.
15. Rostami M, Abdi M, Heidari H. [An investigation of the types of abuse in childhood with forgiveness, mental health and coping strategies of married individuals living in Tehran]. *Journal of research in psychological health* 2014; 7(4): 47-58. (Persian)
16. Donovan PD, *The impact of childhood sexual abuse on coping strategies and relationship satisfaction*. The Florida State University 2009. Available from: URL; <http://search.proquest.com/docview/304881927>.
17. Walsh K, Fortier MA, DiLillo D. Adult coping with childhood sexual abuse: A theoretical and empirical review. *Aggress Viol Behav* 2009; 6: 24-39.
18. Mohamadkhani P, Delaware A, Mohammadi MR. [Quality of life and general health of the parents of abused children]. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology* 2001; 5: 42-51. (Persian)
19. Mohamadkhani P, Mohammadi M, Nazari M, Salavati M. [Preparation, validity and reliability of self-report measures of child abuse (CASRS) students in Iran]. *International journal of the Islamic Republic of Iran* 2003; 17(1): 26-38. (Persian)
20. Young J. *The Young schema questionnaire: Short form*. [cited 1998]. Available from: URL; <http://home.sprynet.com/sprynet/schema/ysqs.htm>
21. Baranoff L, Tian H. Young schema questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Aust J Psychol* 2007; 59(2): 78-86.
22. Ahi G. [Young schema questionnaire-short standardization]. MA. Dissertation. Tehran: University of Allameh Tabatabai, 2005: 77-8. (Persian)
23. Billings AG, Moos RH. The role of coping responses and social resources in attenuating the stress of life events. *J Behav Med* 1981; 4: 139-57.
24. Hosseini Ghadamgahi J. [Investigation of association of stress, coping strategies and quality of relationship with coronary heart disease]. MA. Dissertation. Tehran: Iran University of Medical Sciences, Tehran Psychiatric Institute, 1997: 101-2. (Persian)
25. Rajabi F, Ghamari M. Comparison of early maladaptive schemas and coping strategies in spouse abused women and normal women. *Journal of social issues and humanities* 2015; 3(1): 246-52.
26. O'Learya PJ. Men who were sexually abused in childhood: Coping strategies and comparisons in psychological functioning. *Child Abuse Negl* 2009; 33(7): 471-9.
27. Thabeta AM, Tischlerb V, Vostanisc P. Maltreatment and coping strategies among male adolescents living in the Gaza Strip. *Child Abuse Negl* 2004; 28: 77-91.
28. Muris P. Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: Relation stop received parental rearing behaviors, Big five personality factors and psychopathological symptoms. *Clin Psychol Psychother* 2006; 13: 405-13.
29. Follingstad DR, Rogers MJ, Duvall JL. Factors predicting relationship satisfaction, investment and commitment when women report high prevalence of psychological abuse. *J Fam Viol* 2012; 27(4): 257-73.
30. Gay LE, Harding HG, Jackson JL, Burns EE, Baker BD. Attachment style and early maladaptive schemas as mediators of the relationship between childhood emotional abuse and intimate partner violence. *J Aggress Maltreat Trauma* 2013; 22(4): 408-24.
31. Taft CT, Resick PA, Panuzio J, Vogt DS, Mechannic MB. Examining the correlates of engagement and disengagement coping among help-seeking battered women. *Viol Victims* 2007; 22(1): 3-17.